

بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی

محمد سعید ابراهیم پور^۱، بهروز جوانمرد^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت، ایران

۲. دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت، ایران

چکیده

پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام های حقوق کیفری همواره محل تأمل بوده و هیچگاه به صراحت کامل مورد تقنین قرار نگرفته است. اهداف سنتی جرم شناسانه و اصول بنیادین حقوق کیفری مانع از آن بوده تا بتوان بر این اشخاص، مسئولیت کیفری را منتسب نمود. انتساب مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اغلب نظامهای حقوقی بر پایه دلیل های معتنا بهی چون تصنعی بودن این اشخاص، عدم اهلیت جنایی، عدم تناسب مجازات با ماهیت آنها، عدم تأمین هدفهای مجازات، به ویژه اصلاح و بازپروری، نقض اصل شخصی بودن مجازات و تخصص در هاله ای از ابهام و نفی قرار داشت اما ضرورت های اجتماعی و نقش فزاینده اشخاص مزبور در تحولات اجتماعی و نیز در اختیار داشتن منابع های خطر و دخالت گسترده در ارتکاب جرائم مختلف اقتصادی، صنعتی، زیست محیطی، بهداشت، حمل و نقل، جرائم علیه اشخاص و امنیت و عدم تکافوی ضمانت اجرای غیر کیفری در پیشگیری از اینگونه رخدادها، پذیرش مسئولیت کیفری آنها را اجتناب ناپذیر کرد. نظام کیفری ایران در سال ۱۳۹۲ شمسی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را نه به عنوان یک استثنا، بلکه به عنوان یک قاعده مورد پذیرش قرار داد. در این نوشتار برآنیم تا ابتدائاً مبانی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را بررسی نموده و پس از آن جرائم قابل انتساب و نهایتاً استثنائات این مسئولیت برای اشخاص حقوقی شرح و توضیح دهیم.

واژه های کلیدی: مسئولیت کیفری، اشخاص حقوقی، منافع اجتماعی، جرم.

مقدمه

موضوع پژوهش کنونی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است. مفهوم شخصیت حقوقی ملهم از حقوق غرب است و در حقوق اسلامی محل بحث نبوده و مورد توجه فقها قرار نگرفته است؛ اگرچه به صورت عملی در قالب نهادی مانند وقف، این مفهوم پذیرفته شده است. در تعریف شخص حقوقی گفته شده است، اجتماع سازمان یافته از اشخاص یا اموال برای دستیابی به هدف مشترک در قالب قانونی است (امامی و استوار سنگری ۱۳۹۰: ۴۷).

اشخاص حقوقی دو دسته اند: اشخاص حقوقی خصوصی و عمومی. اشخاص حقوقی خصوصی به دو گروه بزرگ تقسیم می‌شوند: گروه اول شرکت‌های تجاری و گروه دوم مؤسسات غیر تجاری که انجمن‌ها و سندیکاها از جمله گروه دوم محسوب می‌شوند.

اشخاص حقوقی حقوق عمومی که به آنها اشخاص عمومی هم گفته می‌شود در دکتین حقوق اداری بدین ترتیب دسته بندی می‌شوند:

۱- دولت: دولت نه تنها بزرگ ترین شخصیت حقوقی حقوق عمومی، بلکه بزرگ ترین شخصیت حقوقی هر کشور است؛ لکن این نکته چون از جمله بدیهیات است، در هیچ قانونی بدان اشاره نشده است. دولت در حقوق داخلی علاوه بر مجموعه حاکمیت سیاسی کشور، به قوه مجریه نیز اطلاق می‌گردد.

۲- مؤسسات عمومی مستقل: این مؤسسات، واحدهایی هستند که از تابعیت مستقیم دولت خارج شده و شخصیت حقوقی متمایز از شخصیت حقوقی دولت پیدا کرده اند. مؤسسات مزبور امور اداری و مالی خود را مستقلاً و بدون دخالت دولت اداره می‌کنند و از این جهت دارای اموال، بودجه، حقوق و تکالیف مشخص هستند و می‌توانند برای دفاع از حقوق و منافع خود علیه اشخاص دیگر، در دادگستری اقامه دعوا یا از دعاوی مطروحه دفاع کنند. مؤسسات عمومی مستقل خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف- مؤسسات عمومی دولتی که تعریف آنها در ماده ۲ «قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶» آمده است، مانند سازمان های مذکور در قانون اساسی.

ب- مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی که ماده ۵ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶، آنها را تعریف نموده است، مانند شهرداری‌ها.

آنچه در این تعاریف باید موردنظر قرار گیرد، آن است که منظور از دولت، قوه مجریه نیست، بلکه دولت به معنای عام کلمه مدنظر است (یوسفیان شوره دلی، ۱۳۹۰).

در طی یک قرن گذشته، اشخاص حقوقی چه از لحاظ تعداد و چه از لحاظ اهمیت، رشد گسترده ای کرده و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، ورزشی، امنیتی و... را به عهده گرفته اند. با رشد اشخاص حقوقی، بحث امکان ارتکاب جرم از سوی آنها و مسئولیت کیفری آنها در میان

1. State
2. Government

حقوقدانان دنیا پا گرفت و پس از مباحث گسترده‌ای که در این زمینه میان موافقان و مخالفان شکل گرفت، امروزه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی توسط حقوقدانان و به تبع آن قوانین کیفری به رسمیت شناخته شده و مخالفتی با آن وجود ندارد (Tarelli, E, 2004).

در کشور ما تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اگرچه به صورت پراکنده در بعضی قوانین ضمانت اجراهایی برای اعمال متخلفانه اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده بود، لکن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به صورت نظام مند و جامع به رسمیت شناخته نشده بود (البته در قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تنها در مورد این جرایم پذیرفته شده بود). با تصویب قانون مجازات ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در مورد جرایمی که با توجه به قوانین ما قابلیت ارتکاب توسط اشخاص حقوقی را داشتند، به صورت جامع مورد پذیرش قانون گذار قرار گرفت.

۱. تحول مدرن مسئولیت کیفری شخص حقوقی

حقوق کیفری مدرن که در حال حاضر مراحل گذار به پست مدرن را آغاز نموده است، در ذکر مبانی مسئولیت کیفری توجیهات خاص خود را اعمال می نماید. تا قبل از این، آنچه که مبنای مسئولیت کیفری و اعمال مجازات بر اشخاص را تشکیل می داد، اراده آزاد در ارتکاب جرم بود و چون اشخاص حقوقی همانند اشخاص حقیقی فاقد اراده، آزاد در ارتکاب جرم هستند، مسئولیت کیفری آنها، در مقایسه با افراد انسانی که می توانستند مرتکب جرم شوند، با چالش جدی روبرو بود. مبنای عدم پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی این بود که در صورت پذیرش این موضوع حقوق کیفری در حد موسع تفسیر خواهد گشت که این موضع با روح کلی حاکم بر قواعد و مقررات حقوقی سازگار نیست (Sun Beal, 2009, S.). علاوه بر اینها، آنچه که منجر به سرسختی بیشتر در پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی گردید، مبانی جرم شناختی حاکم بر اصول و اهداف اجرا و اعمال مجازات ها بود که هیچ گاه از این حیث نمی توانست در خصوص اشخاص حقوقی جامعه عمل پیوشد (Buel, S., 2006). با این حال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در مواد مربوط به قوانین جزایی گنجانده شد و به تمامی اختلاف نظرها پایان داد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۴۳ به صراحت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته است و در ماده ۲۰ قانون یادشده با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیانبار آن شخص حقوقی را قابل مجازات می داند و علاوه بر آن به موجب ماده ۲۱ همان قانون مجازات اشخاص حقوقی در مقایسه با اشخاص حقیقی شدیدتر است. به موجب ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی «میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می شود». به موجب این مواد اشخاص حقوقی در ایران قابل تعقیب و مجازات هستند و مسئولیت کیفری آنها پذیرفته شده است و می توان گفت که مسئولیت کیفری آنها نیز مانند اشخاص حقیقی، شخصی است و به دیگران سرایت نخواهد کرد و هر گاه اتهامی به آنها وارد

گردید همانند شخص حقیقی، برخوردار از کلیه اصول کلی و عادلانه رسیدگی کیفری و محاکمات جزایی است و دادگاهها تا زمانی که دلایل کافی برای تعقیب اشخاص حقوقی نداشته باشند، حق ورود به این عرصه را نخواهند داشت (Doyl, Ch. , 2013).

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌تواند بر مبنای نوعی مسئولیت نیابتی توجیه شود که تفویض اختیار به نمایندگان، پایه اصلی مسئولیت کیفری شخص حقوقی را تشکیل می‌دهد (Weissman, A. ; & David N. , 2007). تنها در موردی می‌توان شخص حقوقی را از حیث کیفری مسئول دانست که اعمال مجرمانه ای که آن را با مسئولیت روبرو می‌سازد از ناحیه شخص حقیقی ارتکاب یابد که این شخص حقیقی اعم از مدیر عامل، مدیران و نمایندگان شرکت خواهد بود. شرط دیگری که مبنای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را تشکیل می‌دهد، ارتکاب جرم به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی است؛ به عبارت دیگر عمل مجرمانه ای که در راستای منافع و به «حساب شخص حقوقی» باشد (فرج الهی، ر، ۱۳۸۸). شخص حقوقی در صورتی مسئولیت کیفری خواهد داشت که اعمال مجرمانه شخص حقیقی در راستای منافع یا به نام شخص حقوقی ارتکاب یابد. لذا ارتکاب جرائمی که وابسته یا در راستای منافع شخص حقوقی نیست از قبیل شرب خمر، زنا و مواردی مشابه آن، هیچ گاه مسئولیت کیفری شخص حقوقی را ایجاد نخواهد کرد (نبی پور، م. ، ۱۳۸۹) چرا که در اصل این اعمال ذاتاً یک فاعل انسانی را می‌طلبد و تنها اشخاص حقیقی می‌توانند مرتکب چنین اعمالی شوند. جدا از این به عنوان دلیل مکمل نیز می‌توان گفت که شرط اصلی و اولیه در انتساب مسئولیت کیفری به شخص حقوقی که همانا ارتکاب جرم در راستای منافع آن باشد، صورت نگرفته است (شریفی، م. ؛ و همکاران، ۱۳۹۲). علاوه بر اینها ارتکاب فعل مجرمانه از ناحیه نماینده شخص حقوقی که حتماً باید یک شخص حقیقی باشد، باید در راستای وظایف وی باشد که در قانون یا اساسنامه برای او تعیین گردیده است. لذا ارتکاب اعمالی که خارج از وظایف شخص حقیقی است، مسئولیت کیفری شخص حقوقی را به دنبال نخواهد داشت و او باید در راستای وظیفه استخدامی خود مرتکب جرم شده باشد. مثلاً مدیر عاملی که به موجب اساسنامه شرکت حق امضاء برخی از اسناد را نداشته باشد و یا عضو هیئت مدیره ای که از برخی اعمال به موجب اساسنامه شرکت یا قانون، ممنوع شده باشد، اگر در این راستا مرتکب جرم شود مسئولیت کیفری متوجه شخص حقوقی نیست و شخص حقیقی به تنهایی عهده دار کلیه عواقب ناشی از ارتکاب اعمال مجرمانه خود خواهد بود (Service Droit en pratique, 2009).

پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی دارای استثنائاتی نیز می‌باشد که قانون آن را مشخص کرده است. تبصره ۲ ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اعلام می‌دارد که «مجازات موضوع این ماده در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود» این تبصره اشخاص حقوقی عمومی دولتی و اشخاص حقوقی غیردولتی را مشمول مجازات

موضوع ماده ۲۰ ندانسته و آنها را در صورتی که به اعمال حاکمیت^۱ پردازند، قابل مجازات نمی‌داند. مفهوم مخالف این امر آن است که این اشخاص در صورتی که اقدام به اعمال تصدی^۲ کنند، قابل مجازات نخواهند بود. تصمیم دولت آثار فراوانی را بر اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی بر جای خواهد گذاشت. از جمله می‌توان به انتساب مسئولیت مدنی و جبرانها، لزوم پرداخت یا معافیت از هزینه دادرسی، نحوه استیفای مطالبات دولتی، وضع حقوق و عوارض (توازی زاده، ع، ۱۳۸۵) و از همه مهم تر انتساب مسئولیت کیفری اشاره کرد. به نظر می‌رسد برای اولین بار در این خصوص در بند الف ماده ۶۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تقسیم بندی اعمال حاکمیتی^۳ و اعمال تصدی و تفکیک آنها از یکدیگر پرداخته شد. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از آن جهت که در قانون تجویز نشده بود در رویه قضایی نیز منعکس نمی‌شد و جز در موارد مشخصی که در قوانین متفرقه شکل گرفته بودند، رویه قضایی از این حیث نتوانسته بود جایگاه خود را بیابد و به حل مسئله کمک کند (دمرجیلی، م؛ و همکاران، ۱۳۹۲). اما امروزه به جهت تغییر و تحول در رویکردهای جرم شناختی نسبت به اجرای مجازات‌ها، می‌توان به تحولات قوانین کیفری همسو با این موضوع نیز اشاره کرد. اگر تا قبل از این سیاست کلی حاکم بر مجازات اشخاص، سزادهی و پس از آن بازپروری و اصلاح مجرمان بود و به موجب آن اشخاص حقوقی نمی‌توانستند موضوع اهداف جرم شناسانه قرار گیرند و به این دلیل که آنها قابلیت سزادهی و بازپروری ندارند، در دنیای جدید اهداف دیگری نیز در مجموعه علوم جنایی و در رأس آنها جرم شناسی ایجاد شده است که می‌توان به بزه دیده شناسی حمایتی و لزوم جبران خسارت و زدودن آثار مادی جرم اشاره کرد، به علاوه نظام نوین کیفر گذاری‌ها به سمت کیفرهای جانشین و حل و فصل مدنی اختلاف متمایل گردیده است. بنابراین چنین رویکردی باعث می‌گردد تا پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر مبنای روند اعمال نوین کیفرها قابل توجیه باشد و از این طریق ضعف نظریه های سابق قابل توجیه شود. اعمال مجازات بر اشخاص حقوقی از منظر جبران خسارت بزه دیدگان و کاهش آلام و درد و رنج‌های آنها و نیز سیاست‌های مبتنی بر بازدارندگی توجیه پذیر است و می‌توان تحولات جدید جرم شناسی و رویکردهای افتراقی آن در ابتدای هزاره سوم را به عنوان اصول کلی پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی شناخت^۴ و آنها را به عنوان توجیه کیفر معرفی نمود. رشد روزافزون تکنولوژی و فناوری‌های نوظهور و تشکیل بی شمار شخصیت های حقوقی خصوصاً اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، تمامی معادلات سنتی

۱. مصادیق امور حاکمیتی به تفصیل در ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ بیان گردیده است.

۲. مصادیق امور تصدی به تفصیل در ماده ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ بیان گردیده است.

۳. همان

۴. در ابتدای قرن بیست و یکم به دلیل ظهور مسائل و مباحث نوین در عرصه جرم شناسی، تحولات گسترده ای در این عرصه ایجاد شده است. جرم شناسی انتقادی با تحکیم اندیشه های خود و تحمیل آنها بر پیکره جرم شناسی، نظریات نوین و مختلفی را ایجاد کرده که از زمره آنها می‌توان به ظهور مجدد گفت‌وگو نئوکلاسیک نوین و جنبش های بازگشت به کیفر اشاره کرد. علاوه بر این موارد، تشکیل تئوری های جدیدی از جمله عدالت استحقاقی، عدالت سنجشی و عدالت سزادهی، رویکردهای جرم شناختی را به سمت دیگر سوق داده است و اهداف نخستین و اولیه جرم شناسی، در آغاز هزاره سوم تا حدود زیادی رنگ باخته اند.

که در دنیای امروز باقی مانده اند را به شدت تحت الشعاع خود قرار داده است (Jefferson, M, 2001).

پذیرش شخصیت حقوقی مستقل برای اشخاص حقوقی، داشتن دارایی ویژه و خاص خود، داشتن نام و اقامتگاه مشخص که جدای از اشخاص حقیقی تشکیل دهنده آن می باشد، نقش بسیار مهم سازمانهای مردم نهاد و شرکتهای دولتی در اقتصاد جهانی و تولید و نیز لزوم پذیرش مجازاتهای خاص و هماهنگ با جرائم ارتکاب یافته توسط اشخاص حقوقی از جمله جزای نقدی و مصادره اموال، محرومیت از پروانه عملیات تجاری، ممنوعیت از انجام تجارت خاص و دیگر ضمانات اجراهای مالی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را قابل توجیه کرده است و علاوه بر آن می توان قائل به نوعی مسئولیت کیفری بین المللی^۱ برای اشخاص حقوقی شد و آنها را از جنبه بین المللی نیز دارای مسئولیت کیفری دانست (کیوتو، ان، ۱۳۸۲).

۲. مبانی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی

با توجه به این فرض که امروزه قانون گذاران در اتخاذ سیاست های خود اغلب متأثر از دلایل عقلی و قواعد انصاف می باشند توجیهات و استدلال های منطقی مختلفی را می توان برای تصمیمهای مختلف یک قانونگذار مدرن در نظر گرفت. در مورد این که قانون گذاران بر اساس چه دلایل و توجیهاتی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را در قانون جزایی پیش بینی می کنند در مجموع می توان به دو دلیل عمده اشاره کرد. این دو دلیل شامل نفع اجتماعی از یک سو و عدالت فردی از سوی دیگر می باشند. در این مبحث به تفکیک به بررسی این دو دلیل به عنوان مبانی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی که قانونگذار ایران نیز در تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ متأثر از آنها بوده است خواهیم پرداخت تا ببینیم چگونه نفع جامعه و اجرای عدالت فردی توانسته اند راهنمای قانونگذار در تصویب مقرراتی علیه اشخاص حقوقی باشند (Determining Corporate Criminal Liability, 2004).

۲.۱. نفع اجتماعی به عنوان مبانی برای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

فایده و نفع اجتماعی یکی از مبانی مورد توجه حقوق کیفری در تعقیب و مجازات مجرمین است. به این معنی که تعقیب بزهکاران و مجازات آنها تنها به این دلیل قابل توجیه است که منافع جامعه حکم می کند

۱. برخورداری از شخصیت حقوقی و ایفای نقش عمده در عرصه بینالمللی از جانب اشخاص حقوقی، امروزه به موضوعی اساسی بدل گردیده است و چون اقتصاد جهانی پیوند عمیقی با شرکتهای و اشخاص حقوقی تجاری ملی و چندملیتی ایجاد کرده، لازم است که حقوق و وظایف این اشخاص در عرصه بینالمللی تعریف و حدود آن مشخص شود. همین موضوع باعث گردیده تا مسئولیت کیفری بینالمللی اشخاص حقوقی، خصوصاً اشخاص حقوقی حقوق خصوصی که به امر تجارت در عرصه بینالمللی میپردازند نسبت به قبل، اهمیت بیشتری بیابد و مورد توجه قرار گیرد. تشکیل کنفرانسها و سمینارهای زیادی در سطح بینالمللی و بحث و گفتگوی فراوان در این زمینه حکایت از روند رو به رشد حقوق و تکالیف این اشخاص دارد.

که در برابر مجرمین ایستاده و آنها را به سزای اعمال خود برسانیم.^۱ در این چارچوب حتی عدالت و اخلاق نیز وجهی نداشته و چندان مورد توجه نیستند. آنچه مهم است برآوردن منافع جامعه و حمایت از مصلحت‌هایی است که اجتماع برای خود تدارک دیده است (Marchéal, J; 2010).

توجیه نفع اجتماعی تنها برای پیشبرد اهداف سرکوبگرانه در خصوص اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست بلکه به نظر می‌رسد از این توجیه می‌توان اهداف مشابهی را نیز برای سرکوب یا برخورد با شرکتها و اشخاص حقوقی مرتکب جرم در نظر گرفت.^۲ در واقع، اشخاص حقوقی از چند جهت تأثیرات عمده‌ای بر جامعه و افراد آن دارند که ضروری است در صورت ارتکاب جرم توسط چنین اشخاصی جامعه اقدامات واکنشی مناسبی انجام دهد تا از آثار ارتکاب جرم حتی الامکان در آینده کاسته شود. یکی از جنبه‌های مهم تأثیر اشخاص حقوقی بر جامعه عبارت است از اعتمادی که در طول زمان در بین افراد جامعه نسبت به شخص حقوقی حاصل می‌شود.^۳ بدیهی است این اعتماد بدین خاطر است که به تشخیص جامعه یک شرکت یا شخص حقوقی در راستای منافع جامعه و افراد آن فعالیت می‌کند. بنابراین، هرگاه مشاهده شود که آن شخص حقوقی از این وظیفه شانه خالی کرده و در جهت تضرر جامعه قدم برداشته است همین جامعه انتظار دارد که نمایندگان آن که در قالب حکومت و قوه قضائیه انجام وظیفه می‌کنند با آن شخص حقوقی برخورد نمایند. اگر این انتظار برآورده نشود اعتماد جامعه به آن شخص حقوقی و حتی سایر اشخاص حقوقی که در حال فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی هستند سلب خواهد گشت (Wells, C, 2002).

جنبه مهم دیگر تأثیر اشخاص حقوقی بر جامعه نقشی است که آنها می‌توانند در بزه دیدگی افراد جامعه داشته باشند. با توجه به اینکه تعداد نسبتاً زیادی از افراد جامعه با اشخاص حقوقی سر و کار دارند این احتمال وجود دارد که در صورت انحراف اشخاص حقوقی از مسیر قانونی عده بیشتری از افراد جامعه قربانی شده و تعداد بزه دیدگان بالقوه افزایش یابد.^۴ این امر به ویژه با در نظر گرفتن این مسئله که معمولاً میزان اعتماد جامعه به اشخاص حقوقی بیشتر از اشخاص حقیقی است بیش از پیش تقویت می‌شود.

۱. اگرچه بارقه‌های اندیشه نفع اجتماعی در اعمال مجازات نسبت به مرتکبین جرایم با افکار سنت آگوستین در اوایل قرون وسطی شکل گرفت، این مسئله نخستین بار توسط سزار بکاریا در رساله جرایم و مجازات‌ها مورد تأکید قرار گرفت. رک: -

جان کلی، منبع پیشین، صص ۱۸۰ و بعد

- سزار بکاریا، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، نشر میزان، ۱۳۸۰، صص ۳۱ و بعد

۲. این توجیه مسلماً از زوایای مختلف قابل بررسی است. برای مطالعه یک نمونه از توجیه فایده‌گرایانه در مورد مجازات اشخاص حقوقی رک:

- محمد حسن حسینی، فلسفه مجازات اشخاص حقوقی بزهکار: فایده‌گرایی - سزاگرایی، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، یادنامه شادروان دکتر نوربها، زمستان ۱۳۹۰، صص ۳۷۵ و بعد.

3. Service Droit en pratique, La responsabilité pénale de la personne morale, Travail & Sécurité, Juillet et août 2009, p. 46

۴. لی حسین نجفی ابرند آبادی، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، از: تقریرات درس جرم‌شناسی، ویراست ششم، صص ۲۲۳۰ و بعد

بنابراین، بحث جرایم و مجازاتهای اشخاص حقوقی اهمیت فوق العاده ای دارد و زمینه لازم را برای طرح مسئولیت کیفری این اشخاص در قانون مجازات فراهم می آورد (Moore, M, 1985).

۲.۲. پاسداری از اعتماد عمومی به اشخاص حقوقی

برخی از جرایمی که اشخاص حقوقی مرتکب می شوند مستقیماً اعتماد عمومی را مورد صدمه و آسیب قرار می دهند. به عنوان مثال، آنجا که یک شخص حقوقی مرتکب جعل، کلاهبرداری، اختلاس یا فرار مالیاتی می شود بلافاصله حس بی اعتمادی جامعه نسبت به خود را برانگیخته و حتی ممکن است آثار این بی اعتمادی دامن گیر اشخاص حقوقی دیگر نیز که به فعالیت مشابه اشتغال دارند بشود. در مقابل، گروهی دیگر از جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی ممکن است تا مدت‌ها تأثیر منفی بر حس اعتماد عمومی نداشته باشند! به عبارت دیگر، ارتكاب برخی از جرایم توسط اشخاص حقوقی تأثیر مستقیمی روی بی اعتمادی جامعه به آن شخص یا سایر اشخاص حقوقی نداشته و تنها ممکن است بعد از مدت زیاد یا با دخالت عوامل دیگر چنین تأثیری ایجاد گردد. به عنوان مثال، ارتكاب جرایم زیست محیطی^۱ بخصوص در جامعه ایران تنها زمانی ممکن است حساسیت جامعه را به دنبال داشته باشد که آثار عینی آن متوجه افشار مختلف مردم شود. همچنین، عدم ارائه اطلاعات دوره ای یک شرکت تجاری به سازمان بورس و اوراق بهادار^۲ هنوز از نظر بسیاری از مردم تأثیری در سلب اعتماد آنها نسبت به آن شخص حقوقی ندارد و تنها زمانی ممکن است چنین تأثیری به دنبال داشته باشد که تخلف مزبور باعث زیان و تضرر خود آنها گردد (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۶).

درباره دسته نخست جرایمی که باعث سلب اعتماد عمومی به اشخاص حقوقی می شود تردیدی وجود ندارد و شاهد آن هم واکنش سریع و بدون فوت وقت از سوی گروه‌های مختلف اجتماعی نسبت به عملکرد اشخاص حقوقی است که ممکن است به صورت‌های مختلف نشان داده شود. کمترین واکنش اجتماعی به این گونه جرایم عدم تمایل مردم نسبت به مراجعه و سرمایه گذاری در آن شخص حقوقی مرتکب جرم می باشد. با این همه، در خصوص جرایم دسته دوم مسئله به این آسانی نیست. از یک سو، سلب اعتماد عمومی به اشخاص حقوقی پیامدهای ناگواری به دنبال دارد که باید از آنها حذر کرد و از سوی دیگر، تلاش باید نمود تا جامعه نسبت به این گونه جرایم حساسیت ویژه ای داشته و با مرتکبین آنها برخورد نماید (Michel V. , 2005).

۱. معمولاً گفته می شود که جرایم یقه سفیدی دارای این خاصیت هستند. اما این مسئله اختصاص به جرایم یقه سفیدی ندارد. در واقع، اگرچه جرایم یقه سفیدی دارای این ویژگی هستند اما این مسئله را نمی توان از مؤلفه های جرم یقه سفیدی دانست. برای ملاحظه نظر مخالف، رک: - نجفی ابرند آبادی، منبع پیش گفته

2. Environmental crimes

۳. جرم موضوع بند ۲ ماده ۴۹ قانون بازار اوراق بهادار ایران (مصوب ۱۳۸۴). برای مطالعه بیشتر، رک:

- مجتبی جعفری، مطالعه تطبیقی جرایم بورس اوراق بهادار در حقوق جزای ایران و فرانسه، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، به راهنمایی دکتر محمد علی مهدوی ثابت، تابستان ۱۳۸۶، صص ۱۲۱ و بعد

وقتی گفته می‌شود که یک شخص حقوقی در برابر رفتارهایی که از سوی مدیران او صورت می‌گیرد دارای مسئولیت است و قانون‌گذار نیز مجازاتهایی را برای چنین وضعیتی در نظر گرفته است نوعی اطمینان خاطر و آسودگی نسبی در بین مردم و سرمایه‌گذاران احتمالی ایجاد می‌شود که با خیال آسوده به مشارکت در طرح‌های آن شخص حقوقی روی آورند. عکس این قضیه نیز صادق است. گاه قانونگذار از طریق پیش‌بینی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و تعیین جرایم و مجازات‌ها در مورد این اشخاص بیش از آنکه به دنبال مجازات مجرمین و حتی پیشگیری از ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی باشد در پی آن است که اعتماد عمومی و اطمینان خاطر مردم را نسبت به سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی و همکاری با بخش عمومی افزایش دهد تا وقفه‌ای در توسعه و رشد اقتصادی و اجتماعی کشور ایجاد نگردد. از این رو، یکی از مبانی مهم پیش‌بینی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و تعیین جرایم و مجازات‌ها در مورد این اشخاص پاسداری از اعتماد عمومی به این اشخاص است تا در اثر آن گرایش به سمت سرمایه‌گذاری و مشارکت در طرح‌های اجتماعی و اقتصادی نیز افزایش یابد (اردبیلی، ۱۳۹۴).

۲.۳. پیشگیری از بزه دیدگی گسترده مردم

یکی از معیارهای طبقه‌بندی جرایم در جرم‌شناسی معیار «بزه دیده» است. به این معنی که بزه دیده و قربانی جرم راهنما و معیاری برای تفکیک جرایم از یکدیگر است. برخی از جرم‌شناسان سعی کرده‌اند بر اساس معیار مذکور، جرایم را به چهار دسته تقسیم کنند: جرایم دارای بزه دیده واقعی، جرایم دارای بزه دیده فرضی و اعتباری، جرایم دارای بزه دیده بالقوه و جرایم بدون بزه دیده.^۱ (کلارکسون، سی‌ام‌وی، ۱۳۹۰).

جرایمی که اشخاص حقوقی مرتکب می‌شوند بی‌تردید بزه دیده دارند و لذا نمی‌توان آنها را در دسته اخیر قرار داد. اما نکته مهمی که باید در این خصوص مورد توجه قرار داد آن است که معمولاً تعداد بزه دیدگان این جرایم بسیار زیاد است.^۲ طبیعتاً در ارتکاب جرم کلاهبرداری توسط مدیران یک شرکت بزه

۱. نجفی ابرندآبادی، همان منبع، صص ۲۲۴۷ و بعد.

۲. موبد این امر آمار نگران‌کننده حوادث و فجایعی است که در کشورهای مختلف روی داده است. به عنوان نمونه، می‌توان به مسئله ورود خونهای آلوده به کشور اشاره کرد که تقصیر سازمان انتقال خون به عنوان شخص حقوقی در آن روشن بود اما به دلیل عدم پیش‌بینی مسئولیت کیفری اینگونه اشخاص در آن زمان سازمان مذکور با منع تعقیب روبرو شد. برای توضیحات بیشتر در این زمینه و مطالعه نمونه‌های دیگر از گستردگی میزان بزه دیدگان جرایم اشخاص حقوقی رک: - محسن شریفی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان، رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی دکتر محمدجعفر حبیب‌زاده، تابستان ۱۳۹۳، صص ۲۲۱ و بعد.

علی‌ای حال، به دلیل آثار مخرب و گسترده برخی از فعالیت‌های اشخاص حقوقی بر افراد جامعه امروزه عده‌ای از جرم‌شناسان ترجیح می‌دهند که در کنار جرم از اصطلاح عام «آسیب اجتماعی» نیز سخن بگویند. منظور از آسیب اجتماعی رفتارهای مجرمانه و شبه مجرمانه‌ای است که به عده بسیاری از مردم لطمه وارد می‌کند. به عقیده این گروه از جرم‌شناسان، بخشی از دلایل پیش‌بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی مبتنی بر همین مسئله می‌باشد. رک: - علی حسین نجفی ابرندآبادی، از جرم‌شناسی تا آسیب اجتماعی، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی؛ یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۰۱۵ و بعد.

دیدگان آن واقعی و با تعداد زیاد است. اما در ارتکاب جرم اختلاس بزه دیدگان فرضی و اعتباری زیادی وجود خواهند داشت. در این گونه جرایم بزه دیده واقعی که شاکی باشد وجود ندارد اما در حقیقت همه مردم یا تعداد زیادی از آنها بزه دیده هستند. ارتکاب جرمی مثل اختلاس یا اخلال در نظام اقتصادی منافع آحاد جامعه را به خطر می اندازد اما هیچگاه کسی در این خصوص شکایت نمی کند. همچنین جرم عدم ارائه اطلاعات مالی مربوط به سود و زیان شرکت سهامی عام در موعد مقرر به سازمان بورس دارای بزه دیدگان بالقوه زیادی است که بزه دیدگی آنها وابسته به تحقق شرایط دیگری است.^۱ (Steven E., 2012).

تعداد زیاد بزه دیدگان جرایم اشخاص حقوقی انگیزه مناسبی است که قانون گذار در این خصوص سیاست کیفری منحصر به فردی را در پیش بگیرد. به همین دلیل جرایم و مجازات هایی که در قلمرو فعالیت های اشخاص حقوقی پیش بینی می شوند با در نظر گرفتن این ویژگی و با هدف کاستن از تعداد بزه دیدگان طراحی می گردند. بنابراین، منفعت اجتماعی در گرو آن است که نه تنها اعتماد عمومی به اشخاص حقوقی را بیشتر کنیم بلکه مراقب باشیم که عده زیادی بزه دیده جرایم این اشخاص قرار نگیرند. قانونگذار با تعیین جرایم و مجازات ها در عرصه فعالیت اشخاص حقوقی به افراد جامعه آموزش می دهد که در تعامل خود با این اشخاص همه جوانب را سنجیده و مراقب بزه دیدگی احتمالی خود باشند (Emanul D., 2013).

۳. جرائم قابل انتساب به اشخاص حقوقی

پس از درک ضرورت مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی، باید دید کدام دسته از جرائم، قابل ارتکاب از سوی آنهاست؟ آیا آنها شامل عمدی و هم غیر عمدی اند یا فقط غیر عمدی و چرا؟

در نظام کیفری ایران، قانون گذار در ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی با استعمال واژه جرم به صورت مطلق، اشخاص حقوقی را از طریق نمایندگان قانونی خود، توانا بر ارتکاب کلیه جرائم معرفی کرده است. به رغم این، با توجه به تبصره ماده (۱۴) که از میان مجازات های حدود، قصاص و دیات، فقط مجازات اخیر را قابل تحمیل به اشخاص حقوقی دانسته است؛ همچنین نظر به اینکه ضمانت اجرای مندرج در ماده (۲۰)، جملگی تعزیری اند و در برابر جرائم تعزیری و نه شرعی به منصفه اجرا گذاشته می شوند، باید نتیجه گرفت: حکم ماده (۱۴۳) منصرف از جرائم شرعی است؛ به جز قتل غیر عمد که مستتب از تبصره ماده (۱۴) با شرط هایی قابل انتساب به اشخاص حقوقی خواهد بود. ^۲ به نظر می رسد، موضع قانون گذار در برابر جرائم شرعی به این شکل قابل دفاع نباشد. منطقی تر آن بود که با تفکیک قائل شدن بین این جرائم و نیز

۱. در واقع، هرگاه اطلاعات مذکور تأثیر تعیین کننده ای در تصمیم به خرید یا فروش اوراق بهادار داشته باشد و افراد بدون آگاهی از اینگونه اطلاعات مبادرت به معامله نمایند می توان گفت که بزه دیده واقع شده اند. رک: - مجتبی جعفری، مطالعه تطبیقی جرایم بورس...، صص ۲۷ و بعد

۲. مطابق این تبصره: «چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارده شده احراز شود، دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود و اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده ۲۰ خواهد بود

تمیز بین صورت های دخالت در ارتکاب آنها، از حیث مباشرت یا معاونت اقدام به اتخاذ موضع می شد. هرچند از یک نگاه، جرائم شرعی دو دسته اند: دسته نخست، همچون زنا و شرب خمر هستند که جز از طریق فاعل انسانی قابل ارتکاب نیستند و مجالی برای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی فراهم نمی کند اما این امر مانع تحقق معاونت اشخاص حقوقی در این جرم نیست. بنابراین اگر یک شرکت که صاحب هتل هایی در مناطق توریستی است، برای از دست ندادن مشتری های خود یا برای کسب سود سرشار و با علم و آگاهی، برخی از اتاق های هتل های خود را جهت ارتکاب زنا در اختیار توریست های مایل به این اقدام قرار دهد، معاون در زنا خواهد بود. همچنین اگر شرکت مهاجرتی (الف) از طریق نماینده خود مرتکب زنا نسبت به یکی از مسافره های شرکت مهاجرتی (ب) شود تا با بدنام کردن شرکت رقیب، مشتری های آن را به سمت خود جذب کند، به اتهام زنا قابل تعقیب خواهد بود. بدیهی است، پیگرد نماینده زانی به اتهام زنا به قوت خود باقی خواهد بود (عبداللهی، ۱۳۸۹).

اما دسته دوم جرائم شرعی مانند قتل عمد و محاربه هستند که تصور ارتکاب آنها از جانب اشخاص حقوقی منتفی نیست، مثل اینکه نماینده شخص حقوقی (الف) به نام یا در راستای منافع آن، بازرسی به نام (ب) را که متوجه آلوده شدن شخص حقوقی مزبور به پولشویی شده است را به قتل برساند یا باشگاه ورزشی (ج) جهت پیروزی در مسابقه ای مهم، تأثیر گذارترین بازیکن باشگاه رقیب (د) را با به قتل رساندن، از گردونه خارج و جام قهرمانی را خود تصاحب کند. در زمینه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در چنین وضعیتی می توان به دو تعبیر متوسل شد: تعبیر نخست آنکه به اعتبار ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی که اشخاص حقوقی را قادر به ارتکاب عموم جرائم از طریق نماینده قانونی آنها می داند، اشخاص حقوقی (الف) و (ج) را قاتل شناخت و به مجازاتی چون انحلال که معادل قصاص است، محکوم کرد که با این دیدگاه، معاونت در قتل موضوعیتی ندارد و نقش اشخاص مزبور در این دو واقعه، فاعلیت در قتل خواهد بود. بر پایه تعبیر دوم، قتل عمد جرمی است که مجازات آن طبق نص شرع، قصاص است که فقط در حق اشخاص حقیقی چون نماینده شخص حقوقی قابلیت اجرا دارد. به رغم قوت برداشت نخست، با توجه به تبصره ماده (۱۴) قانون مذکور که از بین مجازات های حد، قصاص و دیه، تنها قاتل به اعمال دیه بر اشخاص حقوقی شده است، به نظر می رسد اراده قانون گذار متمایل به برداشت اخیر باشد. در این صورت، شخص حقوقی از جهت معاونت در قتل عمد که جرمی است تعزیری، قابل تعقیب است و از حیث واکنش کیفری، مشمول یک یا دو ضمانت اجرای پیش بینی شده در ماده (۲۰) می شود (قنوتی خلف آبادی، ۱۳۸۰).

در مقام جمع بندی باید گفت اشخاص حقوقی قادرند در پرتوی ساز و کارهای انتساب، همه جرائم را - به استثنای جرائم مرتبط با مختص اشخاص حقیقی همچون شرب خمر، ترک انفاق و زنا- در هر سه فرض مباشرت، مشارکت و معاونت مرتکب شوند. بر پایه نظریه برابر انگاری، مباشرت اشخاص حقوقی از طریق رفتار مجرمانه کارمندان عالی - مدیریتی آنها تحقق و تجسم می یابد. بر مبنای نظریه مافوق و کارفرما، مباشرت اشخاص حقوقی نه تنها از طریق اقدام مدیران بلکه از جانب اقدام کارمندان رده پایین صورت

می‌گیرد. وفق نظریه تقصیر جمعی، ترکیب و تلفیق رفتارهای همه یا دسته‌ای از کارمندان، شخص حقوقی را در قامت یک مباشر قرار می‌دهد. براساس نظریه مسئولیت سازمانی، رفتار اشخاص حقوقی در آیین فرهنگ و سیاست آن قابل رؤیت است. در نتیجه اگر فرهنگ و ساختار شخص حقوقی سبب وقوع رفتار مجرمانه شده باشد، می‌توان شخص حقوقی را صاحب آن رفتار دانست (رفیع زاده، ۱۳۹۲).

شرکت در جرم اشخاص حقوقی نیز با توجه به ماهیت جرم، علم و آگاهی از جرم یا تقصیر نسبت به آن، از طریق دخالت توأمان شخص حقوقی با شخص یا اشخاص دیگر اعم از حقوقی یا حقیقی در عملیات اجرایی جرم، قابل تصور است. از آنجا که این مفهوم، چیزی جز اجتماع مباشرین در تداخل و عرض یکدیگر نیست (نوربها، ۱۳۸۷، صص ۲۰۲-۱۹۱ و اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۲، صص ۸۴-۷۷)، مجازات هریک از شرکا از جمله شخص حقوقی مجازات فاعل مستقل خواهد بود. بنابراین از طریق توسل به وسیله متقلبانه توسط شخص حقوقی (الف) و بردن مال دیگری توسط شخص حقوقی (ب)، آنها شرکای در کلاهبرداری خواهند بود یا شرکت‌های (الف) و (ب) با تشریک مساعی و تخصیص عالمانه حساب‌های خود به عملیات پولشویی، شرکای آن جرم لقب می‌گیرند. همچنین، اگر به علت عدم ایمنی تجهیزات شرکت تولیدی (الف) یکی از کارگران آن دچار آسیب شود و در اثنای انتقال به بیمارستان به واسطه بی احتیاطی راننده‌ای به نام (ب) دچار سانحه‌ی دیگری شود و فوت کند و علت مرگ ضربه‌های ناشی از هر دو حادثه تشخیص داده شود، اشخاص حقوقی و حقیقی مذکور، شرکای در قتل شبه عمد هستند. گفتنی است با استعمال واژه «شخص» به جای واژه‌ی «فرد» در ماده (۱۲۵) قانون مجازات اسلامی، واژه «هرکس» نیز محمول بر واژه «شخص» خواهد بود و به این ترتیب در مورد مشارکت اشخاص حقوقی در ارتکاب جرم می‌توان به این ماده استناد کرد.^۱ اقدام اشخاص حقوقی در کسوت معاونت نیز آنجا معنا می‌یابد که بدون دخالت در عملیات اجرایی، اصیل و مباشر را در ارتکاب جرم استعانت کنند. مثل اینکه شرکت بازرگانی (الف) از طریق اطلاعاتی که در اختیار شرکت (ب) قرار می‌دهد، شرکت مزبور را در تخلف‌های ارزی، تقلب مالیاتی یا قاچاق کالا یاری دهد. بدیهی است وجود شرط‌های قانونی همچون وحدت قصد و اقتران یا تقدم زمانی میان رفتار شخص حقوقی معاون و مرتکب جرم که جای بحث آن در این نوشتار نیست، ضرورت تحقق معاونت در مورد هر شخص از جمله شخص حقوقی است (ستوده تهرانی، ۱۳۸۲).

۱. برابر این ماده: «هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی شرکت کند و جرم مستند به رفتار همه آنها باشد، خواه رفتار هریک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد، خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد، خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرائم غیر عمدی نیز چنانچه جرم مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد، مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هریک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است»

۴. مستثنیات مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی

ماده ۱۴۳ مسئولیت کیفری را به شکل عام و برای تمامی اشخاص حقوقی در نظر گرفته است و در واقع پیرو اصل برابری اشخاص در برابر قانون، همه اشخاص را از لحاظ کیفری در مقابل قانون مسئول می‌داند. لکن طبع و کارکرد بعضی اشخاص حقوقی حقوق عمومی، تصور مجازات شدن آنها را سخت می‌گرداند؛ به همین دلیل تبصره ماده ۲۰، مجازات‌های مذکور در این ماده را در بعضی موارد، قابل اعمال بر برخی از این اشخاص ندانسته است. برخی از اشخاص حقوقی حقوق عمومی هم هستند که اگرچه از شمول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مستثنا نشده‌اند، لکن به طور ضمنی می‌توان آنها را از این قاعده مستثنا دانست. پس از بررسی مستثنیات صریح مذکور در تبصره ماده ۲۰، اشاره ای هم به مستثنای ضمنی این قاعده خواهیم داشت (فرج‌اللهی، ۱۳۸۸).

تبصره ماده ۲۰ بعضی از موارد را بدین نحو، صراحتاً از شمول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مستثنا کرده است: (مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود).

برای فهم دقیق این تبصره لازم است دو نکته مذکور در آن روشن شود؛ اشخاص حقوقی مذکور در ماده و موارد اعمال حاکمیت. در مورد اشخاص حقوقی مذکور در ماده باید گفت که دو دسته از اشخاص حقوقی حقوق عمومی در این ماده احصاء شده است:

دسته اول، اشخاص حقوقی دولتی است. منظور از آن مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی مذکور در مواد ۲ و ۴ «قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶» و تمامی اشخاص دیگری است که بیش از ۵۰٪ سرمایه و سهام آن از طریق منابع دولتی تأمین می‌شود (و البته شخصیت حقوقی مستقل از دولت دارد) اعم از بانک‌های دولتی، دانشگاه‌های دولتی و... است. باید توجه داشت که در این مورد، دولت در معنای عام خود (مجموعه حاکمیت سیاسی کشور) به کار رفته است.

دسته دوم، اشخاص عمومی غیردولتی است که تعریف آن (همان طور که در مبحث اول این فصل گفته شد) در ماده ۵ «قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶» و ماده ۳ «قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶» ذکر شده است و مصادیق آن شوراهای اسلامی شهر و روستا و موارد دیگری که در «قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳» آمده، است (صفار، ۱۳۷۳).

نکته دوم، موارد اعمال حاکمیت است. اشخاص مذکور در ماده به طور کلی از مسئولیت کیفری معاف نیستند؛ بلکه تنها در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند از این امتیاز برخوردارند. منظور از اعمال حاکمیت، مواردی است که اشخاص حقوقی حقوق عمومی، اعمالی را انجام می‌دهند که در انجام آنها، حاکم و قدرت مطلق می‌باشند و به وسیله آنها به مردم فرمان می‌دهند و تحکم می‌کنند و این اعمال قابل تفویض نیستند. ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ امور حاکمیتی را تعریف نموده و مصادیق آن را بیان کرده است. لکن شوربختانه این ماده با وجود ذکر موارد متعدد، با آوردن عبارت «از

قبیل»، مصادیق امور حاکمیتی را به صورت تمثیلی بیان کرده است؛ بنابراین مشخص نیست باوجود این مصادیق متعدد، چه امور دیگری ممکن است، حاکمیتی تلقی شود؟! (حسنی، ۱۳۹۰).

در مقابل امور حاکمیتی، امور تصدی گری قرار دارند. امور تصدی گری، اموری هستند که اشخاص حقوقی حقوق عمومی به مانند اشخاص حقوقی خصوصی و اشخاص حقیقی انجام آن را به عهده دارند، در انجام آنها اعمال قدرت و تحکم نمی کنند، منافع آن لزوماً به همه جامعه نمی رسد و قابل تفویض به اشخاص حقوقی خصوصی و اشخاص حقیقی می باشند؛ مانند امور صنعتی، کشاورزی، حمل و نقل بازرگانی، مسکن و... قوانین معمولاً دولت و نهادهای دولتی را تا جایی که امکان دارد از امور تصدی گری منع کرده و تشویق به واگذاری این امور به بخش خصوصی می نمایند (ر. ک به ماده ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶).

پس از مشخص شدن مفهوم و مصادیق اشخاص مذکور در تبصره ماده ۲۰ و موارد اعمال حاکمیت که در ماده آمده، می توان اذعان داشت، در مواردی که اشخاص حقوقی دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی امور حاکمیتی انجام می دهند از مسئولیت کیفری معاف می باشند و تنها در مواردی که در زمینه امور تصدی گری مشغول به فعالیت باشند، مشمول قاعده کلی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خواهند بود (روح الامینی، ۱۳۸۷).

در قانون جزای فرانسه، معافیتی مشابه معافیت مذکور در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، برای مؤسسات عمومی در نظر گرفته شده است. ماده ۲-۱۲۱ قانون جزای این کشور مقرر می دارد، مؤسسات عمومی که عهده دار انجام خدمات عمومی غیر قابل واگذاری نمایندگی به غیر هستند، از قلمرو مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مستثنا می باشند (فرج اللهی ۱۳۸۸: ۳-۱۳۱ و کوشا و شاملو ۱۳۷۶).

در حقوق انگلستان هم به عنوان مثال در قانون قتل غیر عمد و آدم کشی شرکت ها مصوب ۲۰۰۷ مراجع دولتی و عمومی^۱ نسبت به اقدامات و تصمیماتی که مرتبط با سیاست اجتماعی^۲ یا وظایفی است که در انحصار دولت^۳ یا مرتبط با بازرسی های قانونی^۴ است، از وظیفه مراقبت مقرر در قانون مذکور و در نتیجه از مسئولیت کیفری معاف می باشند، مگر این که وظیفه ای باشد که به عنوان کارفرما نسبت به کارکنان خود یا به عنوان متصرف املاک و اعیان دارند (Doyl, Ch. , 2013).

در کنار استثنائات صریح مذکور در تبصره ماده ۲۰، دولت (مجموعه حاکمیت سیاسی کشور) را هم می توان از جمله اشخاصی دانست که به طور ضمنی از شمول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خارج است. تصور این موضوع سخت است، دولت که خود، انحصار حق مجازات کردن را دارد، خویش را مجازات کند. اصل حاکمیت و قدرت عمومی دولت، مانع از این امر است.

1. Public Authority
2. Public Policy
3. Exclusively Public Functions
4. Statutory Inspections

ماده ۲- ۱۲۱ قانون جزای فرانسه هم (علاوه بر استثنایی که پیش از این ذکر شد) به صراحت دولت را از قلمرو مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مستثنا نموده است. آخرین نکته در این گفتار آن که اشخاصی که اشاره شد به صورت صریح و ضمنی مستثنا شده اند، تنها از مجازات های تعزیری مذکور در ماده ۲۰ معاف می باشند و از لحاظ امکان محکومیت به دیه، همچنان تابع عموم تبصره ماده ۱۴ خواهند بود (برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک رفیع زاده ۱۳۹۲: ۴۲-۳۹).

نتیجه گیری

قانون گذار ایران در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، با قراردادن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، این نهاد را به صورت مضیق پذیرفته است. قانونگذار در پذیرش این نهاد و در تنظیم ماده ۱۴۳ تحت تأثیر قانون جزای فرانسه بوده است. با توجه به این که تا به حال نهاد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی نبوده است، در زمینه مجازات های تعزیری با احتیاط عمل شده و آنجا که پای دیه و خسارت در میان است، دست قاضی را برای صدور حکم به محکومیت شخص حقوقی باز گذاشته است. آنچه قابل ایراد است، آن که قانون مجازات اسلامی در مواد مربوطه در این زمینه ابهامات و اجمالانی دارد که عمل به آن را سخت می کند. لذا انتظار می رود در جهت رفع این نواقص اقداماتی انجام شود. از جهتی دیگر نیز قانون گذار با مستثنا کردن دولت، اشخاص حقوقی دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی از شمول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، دایره این نهاد را محدود نموده است. این استثنائات نیز در حقوق جزای کشورهای مختلف معمول بوده و عموماً به دلایل زیر انجام می شود:

اول، اقتدار و حاکمیت اشخاص حقوقی حقوق عمومی در زمان انجام اعمال حاکمیتی. مجازات کردن دولت و دیگر اشخاص حقوقی حقوق عمومی موجب تحقیر حاکمیت و کاهش قدرت سیاسی کشور می شود.

دوم، جلوگیری از زیان دیدن جامعه و افراد بی گناه. اشخاص حقوقی حقوق عمومی خدمات عمومی ارائه می دهند، مجازات این اشخاص موجب خلل در انجام وظیفه شان شده و زیان مضاعفی به زیان دیدگان از جرم وارد می کند.

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی

- اردبیلی، محمد (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی، ج دوم، چاپ سی و دوم، تهران، نشر میزان
- امامی، محمد و استوار سنگری، کورش. (۱۳۹۰). حقوق اداری، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران، نشر میزان
- توازنی زاده، عباس، «تأملی بر نظریه اعمال حاکمیت و تصدی بر رژیم حقوقی حاکم بر سازمانهای دولتی و برنامه های اصلاح ساختار نظام اداری ایران»، فصلنامه پژوهش و راهبرد، شماره ۵۱، ۱۳۸۵
- حسینی، محمد حسن، ۱۳۹۰. «فلسفه مجازات اشخاص حقوقی بزهکار: فایده گرایی - سزاگرایی»، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، یادنامه شادروان دکتر نوربها، ص ۴۰۶-۳۷۵
- دمر جیلی، محمد، حاتمی، علی؛ و محسن قرائی، قانون تجارت در نظم حقوق کیفری، چاپ دوم، انتشارات دادستان، ۱۳۹۲
- رفیع زاده، علی. (۱۳۹۲). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی عمومی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مرداد ۱۳۹۲
- روح الامینی، محمود (۱۳۸۷)، دگرگونی های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوق فرانسه، مجله فقه و حقوق، سال چهارم، شمار؛ ۱۶
- روح الامینی، محمود. (بهار ۱۳۸۷). «دگرگونی های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه». مجله فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۶
- ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۸۲). حقوق تجارت، جلد ۱، تهران، نشر دادگستر
- شریفی، محسن؛ و دیگران، انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، فصلنامه آموزه های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶، ۱۳۹۲
- صفار، محمدجواد. (۱۳۷۳). شخصیت حقوقی، چاپ اول، تهران، نشر دانا
- عبداللهی، اسماعیل. (۱۳۸۹). درس هایی از فلسفه کیفری: درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام های حقوقی ایران و انگلستان، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی
- فرج اللهی، رضا. (۱۳۸۸). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، چاپ اول، نشر میزان، تهران
- فرج الهی، رضا، «بررسی تحولات حقوق جزایی فرانسه در قانون اخیر»، مجله حقوق دادگستری، شماره ۱۸ - ۱۷، ۱۳۷۵
- قنوتی خلف آبادی، خلیل. (۱۳۸۰). نظریه کلی نمایندگی در حقوق ایران و انگلیس، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

- کلارکسون، سی ام وی. (۱۳۹۰). تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی، ترجمه حسین میر محمد صادقی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل
- کوشا، جعفر و شاملو، باقر. (۱۳۷۶). «نوآوری‌های قانون جزای جدید فرانسه». مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۰
- کیوتو، ان، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ژاپن»، ترجمه اسماعیل عبدالهی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲
- گودرزی بروجردی، محمدرضا و مقدادی، لیلا. (۱۳۸۶). قانون مجازات فرانسه، چاپ اول، قم، انتشارات سلسبیل
- نبی پور، محمد، «شرایط مسئولیت کیفری در لایحه قانون مجازات اسلامی»، مجله تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۸۹
- نجفی ابرند آبادی، ع. ۱۳۹۰. «از جرم شناسی تا آسیب اجتماعی شناسی»، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی؛ یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها، ص ۱۰۳۱-۱۰۱۵
- نوربها، رضا (۱۳۷۸)، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و یکم، تهران، کتابخانه گنج دانش
- یوسفیان شوره دلی، بهنام. (۱۳۹۰). «مسئولیت اشخاص حقوقی در جرایم اقتصادی یا سازمان یافته: رویکردهای نوین ملی و بین المللی». مجله تحقیقات حقوقی: یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها، شماره ۵۶

منابع لاتین

- Barkan, Steven E. 2012, Criminology: A sociological understanding, Fifth edition, Pearson.
- Beale, Sara Sun & Safwat, Adam, "What Developments in Western Europe tell us about American critiques criminal liability?" Buffalo Criminal Law Rev. Vol. 8, 2005.
- Buel, Samuel, The Blaming Function of Entity Criminal - Liability, Indiana Law Journal, Vol. 81, 2006.
- Doyl, Charles, "Corporate Criminal Liability: An Overview of Freedom Law", Congressional Research Service, Vol. 30, October 2013.
- Emanul Daoud et Clarisse Le Corre, La responsabilité pénale des personnes morales, Perspectives Etudes, n 43, 2013, p. 56
- Jefferson, Michael, Criminal law, 5th ed, London, Longman Pearson Education Limited, 2001.
- Marchéal, J; J-Y (2010); Peines applicables aux Personnes Morales. Peines Criminales et Correctionnelles, JurisClasseur Sociétés Traité, Art.
- Michel Véron, Droit pénal des affaires, 2005, p. 112
- Moore, Michael, The Moral and Metaphysical Sources of the Criminal Law, in Pennock and chapman, 11, 1985.

___ Service Droit en pratique, 2009, La responsabilité pénale de la personne morale, Travail & Sécurité.

___ Sun Beal, Sara, "A Response to the Critics of Corporate Criminal Liability", American Criminal Law Review, Vol. 46, 2009.

___ Tarelli, Elis, "A Brief Introduction to the Principles and Rules for Determining Corporate Criminal Liability" (September 10, 2004), 3-5, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1467817>.

___ Weissman, Andrew; & David Newman, "Rethinking Criminal Corporate Liability", Indiana Law Journal, Vol. 84, 2007.

___ Wells, Celia, Corporations and Criminal Responsibility, 2nd, Oxford, Oxford University Press, 2001 .